



12 وقتی شما تعمیر گرفتید با مسیح مدفون شدید و نیز در تعمیر خود به وسیله ایمان با قدرت خدا که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید، با او قیام کردید. 13 خدا شما را که به علت خطاهای خود مُرده و در جسم خود نامختون بودید، با مسیح زنده کرد و همه گناهان ما را بخشیده است. 14 او سند محکومیت ما را همراه با تمام مقرراتی که علیه ما بود، لغو کرد و آن را به صلیب خود میخکوب نموده، از بین برد. 15 مسیح بر روی صلیب، تمام قدرتهای آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد و بر آنها پیروز شد و آنها را نزد همه رسوا ساخت.

من هفته پیش یک خطایی انجام داده بودم. من در خیابانی می بایستی یک تابلوی راهنمایی و رانندگی را در جای مناسب می دیدم ولی من از آن تابلو گذشتم و آن را ندیدم. و دوربین کنترل

سرعت خطای من را عکس برداری کرد. و الان من با استرس فراوان منتظر جریمه خودم از اداره مربوطه هستم. و من بایستی دوباره جریمه ای به صندوق اداره مربوطه بپردازم. اساساً، ادم در زمینه پرداخت جریمه ها هیچ مشکلی ندارد زیرا ادم از کیف پول خود مبلغی را برای این خطاها می پردازد و برای مدتی هم کمی با سختی مالی زندگی می کند و بعد از مدتی هم او آن را فراموش می کند. ولی همیشه این خطاها را ادم نمی تواند به راحتی از زندگی خودش پاک کند. ما این جمله ها را از مشاوره روابط خانوادگی می توانیم بشنویم: یکی از بزرگترین مانع هایی که جلوی یک عشق بزرگ قرار دارد گذشته و کارهای قدیمی می باشد که باعث عدم پدید آمدن آن می شود. در انسان ها این اشکار است که یک گناهی در اعماق آنها قرار دارد و آن را نمی توان به همین راحتی ها از بین برد و بدون آن زندگی کرد. هر زمانی که من در رستورانی یک غذای خوش مزه ای سفارش می دهم و یا هر زمانی که من رانندگی می کنم این حس را دارم که یک گناهی وجود دارد که همه گیر می باشد. در زمانی که من در این بهار و در این دنیا عمر خودم را می گذرانم این گناه را حس می کنم که همه آن را حمل می کنند. این موضوعی که انسان ها دارای گناه می شوند را اصلاً نمی توان آن را از بین برد. حال من با این موضوع چگونه باید کنار بیایم؟ تا این حس گناهکار بودن از شانه همه ما برداشته شود. یک جمله ای وجود دارد که می گوید: تا زمانی که من دستگیر نشده ام پس من هیچ ادم گناهکاری نیستم. خیلی از انسان ها با همین طرز فکر تا الان زندگی کرده اند. ولی گناه چیز ساده ای در زندگی ما نمی باشد و نقشه ترازو را در زندگی ما بازی می کند. زمانی که صفحه گناه ما در این ترازو سنگین تر باشد ما این را متوجه می شویم که چیزی را باید تحمل بکنیم. این ها را مشاور امور روانکاران می گویند. و همیشه ادم با انسان هایی که همواره با گناهان خودشان درگیر هستند سر و کار دارد. و اغلب سعی می شود که به اعمال خوب انسان ها اشاره شود و به گناهان آنها کاری نداشته باشند. ولی با این کار گناهان باز سر جای خودشان باقی می مانند. در انجیل یوحنا گفتگوی جالبی مابین عیسی و نیکودموس وجود دارد. او نسبت به افراد دیگر گناه کمتری داشت. و او انتظار داشت که از طرف عیسی سخنان بهتری را از عیسی درباره خودش و همچنین چگونگی زندگی کردن بهتر او نسبت به دیگران را بشنود. ولی او با سخنان عیسی یک شک بزرگی را دریافت می کند. عیسی می گوید: انسان باید دوباره متولد شود و اگر او این تولد دوباره را نداشته باشد نمی تواند به بهشت خدا راه یابد. در این گفتگوی عیسی با فریسیان این را متوجه می شویم که ما انسان ها نمی توانیم به تنهایی از گناهان خودمان رهایی یابیم. ما انسان ها نمی توانیم بواسطه فراموش کردن خطاهایمان و یا با انجام اعمال خوب این گناهان را از زندگی مان پاک بکنیم. و بایستی در ما انسان ها چیز بزرگتری رخ بدهد. در نامه کولسیان پولس این نکته را در قالب یک شعر گفته است که احتمال زیاد آن را اولین اجتماع کلیسایی سروده است. پولس در این شعر به ما می گوید که در ما چیزی رخ می دهد:

اول اینکه ما با عیسی مرده ایم و دفن شده ایم.

دوم اینکه ما با عیسی رستاخیز کرده ایم.

و سوم هم اینکه گناهان ما پاک شده است.

تنها راه حل رها شدن ما انسان ها از گناهان ، چیزی است که در این نامه کولسیان آمده است . تنها چیز اساسی که در برابر این همه گناه شخصی ما کمک می کند فقط مرگ است. کسی که مرده است دیگر از او انتظاری نمی شود داشت و یا ان شخص دیگر در این دنیا نمی تواند اثری از خودش باقی بگذارد. و تمام ان خطاهایی که ان شخص انجام داده است به فراموشی سپرده می شوند زیرا دیگر کسی از او نمی خواهد که مسئول اعمالش باشد. نامه کولسیان این را به ما می گوید که ما انسان ها می توانیم تمام زندگی خودمان را در مرگ عیسی جای بدهیم. و در انجا همه چیز مهر و موم شده است. ما می توانیم خیلی راحت همه چیزمان را در مرگ عیسی قرار بدهیم و دیگر نیازی نیست که خودمان را به هر قیمتی که شده در جلوی دیگران خوب نشان دهیم و خطاهایی را که داشته ایم را به نحوی از دیگران مخفی نگه داریم. و یا ضربه هایی را که از روابطمان خورده ایم را تا اخر عمر با خودمان همراه داشته باشیم. و از انجایی که ما غسل تعمید گرفته ایم خدا در ان زمان مهر صحت حرف های خودش را در ما کوبیده است. و ما همچنین این را می دانیم که خدا هیچگاه چیزی را نیمه کاره انجام نمی دهد. و تنها فقط همین امر وجود ندارد بلکه ما می توانیم از طریق عیسی یک زندگی جدیدی بدست آوریم. ما فقط برای خودمان زندگی نمی کنیم بلکه همانطور که در فصل 3 نامه کولسیان آمده است زندگی ما با خدا در ارتباط می باشد. پولس همیشه در نامه های خودش از خاطرات زندگیش می گوید که در عیسی تجربه کرده است. پولس همیشه از خودش صحبت می کرد و از ضعف ها و گناهان خودش سخن می گفت. و او همیشه به این تاکید می کرد که : زندگی ، امید و هدف واقعی ما در عیسی خلاصه می شود. در زندگی ما در این دنیا تمام چیزها برای ما روشن نمی شود ما بایستی باز هم با گناه و خطا ها بجنگیم. ما باز هم با ناراحتی هایی که برای دیگران ایجاد می کنیم و یا از انها دریافت می کنیم زندگی می کنیم. ولی این چیزها نمی توانند ما را گمراه کنند و ما باز هم به ان برج امیدمان می نگریم. ما مابین همه گناهان و مرگ و بال های شیطان صلیب عیسی را می بینیم. ما به هدف اصلی این شعرهای نامه کولسیان می رسیم که قصد دارم انرا بخوانم . این نامه می گوید که همه گناهان ما به صلیب عیسی متصل شده است. سربازان رومی در زمان به صلیب کشیدن عیسی دو چیز را به صلیب او میخکوب کردند و یکی از ان تابلویی بود که روی ان نوشته بود : عیسی ناصری ، پادشاه یهود . در ان زمان ها وقتی که شخصی را اعدام می کردند گناه او را هم بر روی صلیبش میخکوب می کردند. بالاترین گناه عیسی این بود که او خودش را پادشاه نامیده بود. دومین تابلویی که بر روی صلیب او وجود داشت را کسی نمی توانست ببیند زیرا ان را خدا در انجا نصب کرده بود. و روی ان تابلو گناههای من و تو و تمام انسان ها نوشته شده بود. نامه کولسیان این را نمی نویسد که عیسی این قانون را در بالای صلیب از بین می برد. بلکه نامه گناهان بر روی صلیب او میخ کوب شده است. تمام انسان های انجا این را می دانستند که با این کار تمام گناهان او دیگر از بین رفته است. و او این کار را دقیقا انجام می دهد و این گناه برای او نمی باشد بلکه گناهان ما می باشند. ما این گناهان را در وجودمان داریم و انها را هر روز تجربه می کنیم. این گناهان خیلی سنگین هستند و ما می دانیم که ما از عهده پرداخت انها بر نمی آییم. ولی اینجا ما به صلیب نگاه می کنیم و عیسی در اینجا نه به عنوان یک گناهکار بلکه به عنوان یک قهرمان قرار دارد. و او از مرگ بر می خیزد و رستاخیز می کند و مرگ و گناه و شیطان را از ما دور می کند. نگاه کنید ، مرگ ، شیطان و گناه همیشه باعث شده اند که کمر ما در زندگی خم شود ولی در اینجا انها در مشیت های عیسی قرار دارند و انها دیگر قدرتی ندارند. و در عیسی انها نمی توانند ما را اذیت کنند. ولی این اشکار است که من بایستی تا اخرین روز زندگی خودم با گناهان خودم بجنگم. بعضی از جریمه ها را می توام با کمی پول پرداخت کنم ولی بعضی از خطاها را نمی توام از عهده شان بر بیایم. و برای همین من هرروز به سوی صلیب عیسی نگاه می کنم و از او خواستار این رهایی می شوم. و من این تابلو را می نگرم: برای تو پرداخت شده است.

آمین